

۱۶ دی قیّمه نو پېښه = **۱۱** → mailto:aminpoura@gmail.com ^{امیر پوریا}



ما «**فارست گامپ**»‌های ایتالیادوست

یک: شوخ، خنک، نمکین، پوچ و مضحک است که باز در بازی پریشب ایتالیا مقابل تیم زیرموتوسط نیوزیلند به اتزوری محبوب‌بم‌دل بسته بودیم و برای خودمان امیدهای داشتیم. وقتی به تعبیر شیفته‌واری فکر می‌کنم که در یادداشت روز چهارشنبه هفته پیش نسبت به این تیم همیشه‌گم‌ابراز کردم و گفتم در صورت اصلاح و تکامل بازی‌اش در فاصله روز اول و دوم، با شاعر شیخ اجل به پیشوازش خواهم رفت، از لُش کشی دوباره تیم در بازی با نیوزیلند، به خنده‌ای تلخ و عصبی می‌افتم. به ویژه از این حیث که در حرکتی عجیب و برای خودم باورنکردنی، بزرگ‌ترین گاف کل این یادداشت‌های همه‌روزه همزمان با جام نوزدهم را در نقل همان شعر مرکب شدم و با اعتماد بلاهت‌بار به گوش و حافظه و رجوع نکردن به غزلیات سعدی، در بیت بی‌همتای «هزار جهد بکردم که سر عشق بیوشم/ نبود بر سر آتش میسرَم که نجوشم»، ترکیب «سر آتش» را «صراطش» نوشتم که طبعاً نه معنایش درست است و نه وزن و آهنگش. (همین جا از سعید قطبی‌زاده و امیر جولایی تشکر می‌کنم که به جای خنده پشت سر، این خطا را مستقیم و خیرخواهانه به خودم گوشزد کردند). خب، کسی که برای اعلام تلاوم امیدش به ایتالیای علیل و افلیح اسماعل مارچلو لیبی از سعدی بزرگ مایه می‌گذارد، حاشا! است که به چنین گافی دچار شود.

دو: در فیلم مشهور «فارست گامپ» ساخته رابرت زمه‌کیس که با تمام اثرگذاری‌اش، به شدت وامدار و شاهکار مهجور وودی آلن «لیگ» و در واقع شج کم‌رنگی از آن فیلم است، شخصیت ساده‌لوح دوست‌داشتنی اصلی فیلم فارست (با بازی تام هنکس) میان خصلت‌های عجیب و منحصر به فردش، «امیدواری» همیشگی و پایان‌ناپذیر هم دارد. هر بار که او جینی (رابین رایت پن) را می‌بیند، نه‌تنها تصور می‌کند این بار دیگر دختر به او و عشق و علاقه‌اش را رو کرده، بلکه در وصف نخستین روز یا شبی که او را تصادفاً در جایی از مسیر یا مثلاً در بین تماشاگران سخنرانی ضدجنگ ویتنام دیده، در گفتار متسن فیلم می‌گوید «این بهترین شب زندگی‌ام بود» یا «اون روز، شادترین روز تمام عمرم بود»! در واقع فارست طوری و به قدری خوشبین است که تلخی‌های روز وداغ دوباره در جینیه در یادش نمی‌ماند و در عوض، شیرینی دیدار دوباره او را هر دفعه به خاطر می‌سپارد. ما در رویارویی با ایتالیای امسال نیز برای خودمان یک پا فارست گامپیِم. هر بار با تماشای همان قصه مکرر دست و پا زدن و به تساوی یک – یک دست یافتن و تنها در معدود مواردی مثل دو شوت سهمگین مونتولیوو (هر کدام در یک نیمه بازی) به سمت دروازه هموطنان پیتر جکسون بدانشناسی آوردن و در باقی موارد، بد و آشفته و مضطرب و بی‌برنامه بازی کردن، دست از امید برمی‌داریم. این خاطرات تلخ خیلی زود و در فاصله چهار پنج روزه میان دو بازی از یادمان می‌رود و باز تا روی لاجوردی تیم را در دل زمین سبز می‌بینیم، فارست گامپ‌وار می‌گوییم حتماً امروز دیگر بهترین بازی را از اتزوری خواهیم دید! البته، البته همین حالا که دارم این رویکرد را دستم می‌اندام، باز خودم تا روز بازی بعدی با اسلواکی که همین پس‌فرداست، چنین مسیر امیدواری مجددی را طی خواهم کرد. ولی به هر حال برای اشتیاق و هیجان داشتن تا انتهای جام، باید فکری بکنیم و بعد از خداحافظی احتمالاً قریب‌الوقوع اتزوری، به نتیجه گرفتن تیم دیگری دل بندنیم که مثل برزیل در نظرمان منقور و خودنما – به قول عبدالرضا مرادی، دوستی که خواننده این ستون است– دم‌دست‌ترین و آسان‌ترین و راحت‌طلبانه‌ترین گزینه ممکن نباشد. آلمان و انگلیس می‌توانند انتخاب‌های جایگزین باشند؛ اما خودشان هم در بازی اخیر دست‌کمی از ایتالیای این روزها نداشتند. این‌م‌اند تیم قدرتمند راه‌راه‌پوشی که به حرمت خلاق‌ترین بازیکن تاریخ، دیه‌گو آرماندو مارادونا، می‌توان شیفته و مشتاقش بود و مانده؛ و البته تلاوم امیدواری را فارست گامپ شدن تلقی نکرد. این را همین امشب و در بازی این تیم مقابل یونان هم می‌توان دید؛ هرچند یونان سه امتیاز از بازی دوشم با نیجریه اندوخته و برای برد و صعود، انگیزه دارد.

سه: با عادل فردوسی‌پور موافق نیستم که بازی کامورانزی را بد و بی‌اثر توصیف می‌کرد، موافق نیستم، بله، در نصفه اول نیمه دوم که پا به زمین گذاشت، پاس‌های اشتباه زیادی داد و در درگیری‌ها هم اغلب مغلوب هافبک‌ها و مدافعان چفر نیوزیلند شد. اما بعدتر، در ۲۰ دقیقه آخر بازی، در کنار مونتولیوو موثرترین بازیکن تیم بود. دو شوت خطرناک زد و یک پاس سرزرب هوایی درخشان داد که اگر یاکوئینتا هم سرزرب به کنار توپ می‌کوبید و نمی‌گذاشت توپ به زمین بخورد و مدافع نیوزیلند فرصت کند آن را به بیرون برند، کامورانزی بر همگان روشن می‌شد. البته این تنها مورد اختلاف نظرم با عادل در گزارش این بازی بود.

وگرنه هر چه باشد، او عادل فردوسی‌پور است و مثلاً عادل پور فردپورس با پیمان یوسفی یا سرهنگ علی‌فر نیست که در رویارویی با هر قضاوت مشکوک، محتاطانه و محافظه‌کارانه، همه چیز را به «نظر کارشناسان» موکل و واگذار کند و چون عادل است و چشم دارد و دیدگاه دارد و محافظه‌کار نیست، با قطعیت بگوید که گل نیوزیلند مردود و ناحق بوده است.

پایانهایش → مسن عزیز

درخشش جاودانی یک مجری بی‌آلایش

برای ما جان‌نثاران فوتبال، چه وقتی که بازی‌های باشگاهی در اروپا به مراحل حساس و پایانی‌اش نزدیک می‌شود و چه وقتی رقابت‌های درجه یکی نظیر همین جام‌جهانی فوتبال که این روزها سر در گریانش هستیم، پیش می‌آید تنها این امیدواری وجود دارد که بازی‌های تیم محبوب‌مان را فلان گزارشگر مورد تاییدمان گزارش کند، چون یک اصل ثابت وجود دارد که با هیچ دعا و نذر و نیازی قابل تغییر نیست و آن حضور رضا جاودانی مجری لیجند بر لب هم مسابقه مردان آهنین و هم برنامه دایره طلایی به عنوان مجری ثابت همه (تاکید دوباره بر کلمه «همه») این فوتبال‌های ممتاز است. وی که اجزای برنامه غیرفوتبالی خودش، دایره طلایی را گاهی به هر دلیل از دست می‌دهد این روزها و در جریان جام‌جهانی ۲۰۱۰ نزدیک به نیمی از ساعات شبانه‌روز هم به پخش فوتبال اختصاص یابد (که می‌یابد) خستگی‌ناپذیر، روبه‌روی دوربین می‌نشیند و در بااهمیت‌ترین برنامه مربوط به جام نوزدهم، ما را از دیدن او، قبل، بین دو نیمه و بعد از بازی محروم نمی‌کند. او مثل همه ما فوتبالی‌ها شیفته‌گی‌هایی شخصی دارد و گاهی دست‌کم این گونه نشان می‌دهد. مثلاً نشان می‌دهد لیورپول را از دوران قدیم خیلی دوست داشته و دارد. نشان می‌دهد از شکست تیم‌های خراسانی در لیگ خودمان عصبانی می‌شود. نشان می‌دهد اگر تیم ضعیف و مهجوری بازی مهمی را برد خوشحال است ولی آنچه اصلاً نمایشی نیست و خیلی روشن است، شیفته‌گی او به یکی، دو کارشناس مدعو است، طوری که اصلاً دلش نمی‌خواهد در مدتی که با این اندک همهمان جان سخن می‌گوید آگهی پخش شود یا مجری دیگری اطلاعاتی در زمینه‌های محل برگزاری بازی‌ها بیان کند. ولی با دیگر کارشناسان فقط به قدر گذر زمان و به قولی انجام وظیفه، گفت‌وگو می‌کند. حتی اگر در ارتباط با انتخاب داوران این شوخی را با کارشناس برنامه کند که «من فکر کردم اسد داورها را در صندوق می‌ریزد و تصادفی نام داوری را از آن بیرون می‌آورد» یا «برماتوف بازی‌هایی را که جمعه برگزار می‌شود داوری می‌کند.» اسه به نظر من مهم‌ترین نکته متنفی در اجراهای جاودانی (یا به قول عادل فردوسی‌پور: «رضا جاودانی عزیز»)، هیچ‌کدام از اینها نیست، حتی لهجه شیرین و تکیه بر کلیشه‌هایی کهنه‌ننده نظیر «بازی زیبای برزیل» و «جاری دفاعی ایتالیا» و حتی استفاده از واژه «اشمیلان و اینترمیلان» به جای واژگان درست‌تر و امروزی‌تر به ترتیب «میلان» و «اینتر» که در اجراهای این مجری مشخصاً بی‌آلایش نیست، بلکه استفاده از اصطلاحاتی است که گاهی برای او غیرقابل کنترل می‌شود مثل عبارات «انصافاً، در مورد مسائل مختلف صحبت کنیم» و از همه مهم‌تر «به هر شکل ممکن.» مثلاً وقتی تیمی در مسابقه‌ای تیم دیگر را با اختلاف گل بالا هم شکست دهد او از عبارت «به هر شکل ممکن» استفاده می‌کند، در شرایطی که هیچ عامل و دست‌اندازی در میان نبوده و تیم مغلوب صرفاً در برابر قدرت تیم برنده شکست خورده است. گمان نمی‌کنم او که به سرعت تیم‌های مهم‌ترین روزهنامه‌های ورزشی اروپا را به فارسی روان ترجمه و بیان می‌کند، درصدد کاستی اجراهایش برآید. به جایش او آماده است که پس از پایان جام جهانی میزبانی از عشق فوتبالی‌ها را در شبهای پایانی لیگ‌های اروپایی فصل بعد بر عهده بگیرد. هرچند به قول شлагلام عزیز: «خدا کنه من اشتباه کرده باشم».

» برگرفته از عنوان فیلم درخشان «درخشش ابدی ذهن بی‌آلایش» ساخته میشل گودری، ۲۰۰۴

۱۶ گزارشی آخر

گزارشی →

نارضایتی مدیران از فدراسیون فوتبال

وضعیت نگران‌کننده تیم‌های ملی

گروه ورزش: همه در جام جهانی غرق شده‌اند و کسی به فکر تیم‌های ملی نیست. اوضاع در فدراسیون فوتبال گویا چندان خوب نیست، پس از اختلاف علنی‌شده علی کفاشیان و مهدی تاج، اختلاف کفاشیان و قاضی شریفی، حکومت خودمختار ورزش‌محمدی و علیپور، اختلاف تریانان و شمس و البته اصطکاک‌های غلامحسین پیروانی و فدراسیون، موضوع فوتبال بانوان هم یکی دیگر از مشکلات جدید فدراسیون فوتبال است. انگار همه چیز از دست رئیس فدراسیون خارج شده است.

تیم‌های ملی

از روزی که مسعود معینی به عنوان رئیس کمیته تیم‌های ملی انتخاب شده، نظم رایج از فدراسیون فوتبال خارج شده است. وضعیت تیم ملی امید نامشخص است و گویا شлагلام از این وضعیت راضی نیست، عملکرد تیم ملی بانوا هم زیر سوال است و همانند گوشت قربانی میان فدراسیون فوتبال، سازمان تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک حلاوحلوا می‌شود و البته تیم ملی یزرگسالان هم هنوز به ثبات نرسیده است. چرا همه ناراضی هستند؟

◄ نجد فیروزی

وضعیت بحرانی تیم ملی فرانسه بر کسی پوشیده نیست. فحاشی، درگیری، بی‌احترامی، خوسری و… همه و همه دست به دست هم داده تا نایب قهرمان جام جهانی ۲۰۰۶ اصلاً حال و روز خوشی نداشته باشد. احتمال وجود «جاسوس و خائن» در تیم (کادر فنی) و درگیری‌های پراکنده بین اعضای تیم و کادر فنی حسابی حال و روز «آبی‌ها» را تیره و تار کرده است. بازیکنان این تیم روز یکشنبه در حرکتی عجیب در حمایت از نیکلا آنلکا دست به اعصاب زده و تمرین‌نکرده به هتل رفتند. درگیری پاتریک اورا کاپیتان تیم با روبر دوورن مربی بدنساز تیم ملی فرانسه موجی از شایعات مبنی بر اینکه دوورن جاسوس تیم است را بر سر زبان‌ها انداخت. بازیکنان فرانسه تمرین را تعطیل کردند تا این تیم در کانن توجه همه رسانه‌های دنیا قرار بگیرد. کار تا جایی پیش رفت که همه سران رده‌بالای کشور فرانسه از سارکوزی و فرانسوا فیون گرفته تا وزیر اقتصاد، وزیر ورزش، نماینده جبهه ملی، وزیر کار و… به اظهارنظر در این مورد پرداخته و همگی به نوعی از آبروی رفته فرانسه در عرصه بین‌المللی گلایه داشته باشند. موضوع به حدی جدی شد که نیکلا سارکوزی دستور داد سریعاً جلسه بحران تشکیل و مسائل به نحو احسن حل شود.

» خواسته بازیکنان

علت تحریم تمرین را بازیکنان فرانسه حمایت از آنلکا دانسته‌اند اما ناراضیانی از کادر فنی این تیم بیش از هر مساله دیگری به چشم می‌آمد. البته بازیکنان این تیم با هدایت ژان پیر اسکالت (رئیس فدراسیون فوتبال فرانسه) به خارج از اتوبوس حامل تیم، به خوبی اعتراض‌شان به این موضوع را هم نشان دادند اما بی‌بانه‌ای که خواسته بازیکنان فرانسه را تا حدودی پوشش می‌داد نکته عجیبی را دربر داشت؛ آنهاست و غیر از دومنک نیکلا هستند با هیچ مربی دیگری اعم از بدنساز و آنالیزور و… کار کنند.

» پایان سیر ک فرانسوی

دیروز صبح (دوشنبه) بالاخره کودکان تیم ملی تصمیم گرفتند دست از کارهای یچگانه‌شان بردارند و دوباره بر سر تمرین حاضر شوند. آبی‌ها بعد از شکست برابر مکزیک، تمرین به صورت جدی نداشتند و این تمرین جزئی، تنها تمرین جدی آنها به حساب می‌آمد که اتفاقات جالبی هم در آن رخ داد.

هفت گل خوردند و چند گل نخوردند

مرثیه‌ای برای یک رویا

برتغال در یک بازی یک‌طرفه به ویژه در نیمه دوم، بازی پرگلی در جام جهانی رقم زد؛ شاگردان کارلوس کرش با هفت گل تیم کره شمالی را در هم کوفتند تا تقریباً از همین حال خود را در جمع صعودکرده‌ها به دور بعد جام جهانی ببینند. نتیجه هفت بر صفری که پرتغالی‌ها رقم زدند شاید به نوعی راه خروج را برای قیل‌ها از جام جهانی فراهم آورد. البته این نتیجه رویای صعود اروپا به یک‌هشتم را نیز تبدیل به کابوس کرد.

پر تغال ۷- کره شمالی صفر

تیم ملی پرتغال که با هیاهوی بسیار پا به جام جهانی گذاشته بود پس از کسب نتیجه نایم‌دکننده تساوی برابر ساحل عاج (صفر - صفر) دست به کار درخشانی زد و با هفت گل کره شمالی را در هم کوفت. در واقع روز گذشته ورزشگاه گرین‌پوینت شاهد هنرنمایی مردان کارلوس کرش بود؛ گل‌های زیاد، خلاقیت بالا و بیشن بالا در بازی، همه و همه فاکتورهایی بودند که بیشتر در تیم برزیل به چشم می‌آمد اما پرتغالی‌ها نشان دادند توانایی انجام این کارها را با تمام قوا دارند و به نوعی با بازی خوب خود برای برزیلی‌ها نیز خط و نشان کشیدند. خطراتی از اعلام جنگ به برزیل این نتیجه برای صعود به دور بعد هم‌تیمی‌های رونالدو حائز اهمیت بود. اگرچه پرتغال در نیمه اول چندان خوب نبود اما ۴۵ دقیقه دوم برای این تیم کافی بود تا کلکسیون از گل را بیدارزد و چشم‌ها را خیره کند.

نیمه اول: به‌رغم بزرگی تیم پرتغال، ایسن کرای‌ها بودند که در ابتدای بازی خطرناک ظاهر شدند؛ خطراتی که «چا» (دقیقه ۱۲)، جوگن تانه صفر (دقیقه ۱۶) و به ویژه شوت اوگن پونگ جو (دقیقه ۲۰) حسابی آسیابه‌ها را دلگرم کرد که حریف را شکست دهند. اما در نهایت کرای‌ها با گلی که «انول میرلس» در دقیقه ۲۹ به ثمر رساند، رشعه را بر تن خود خس کردند. پس از آن، تیم آسیایی رفته‌رفته تسلطش را از دست داد تا در پایان نیمه اول شوت رونالدو (دقیقه ۴۳) رنگ خطر را برای آنها به صدا دربیابرد.

نیمه دوم: با شروع نیمه دوم پرتغال با دست‌وپایی کاملاً متفاوت وارد میدان شد. میل به گلزنی بازیکنان این تیم چنان زیاد شده بود که هر لحظه خطر جدی روی دروازه ایجاد می‌شد. در دقیقه ۵۴ سیماون با حرکت ترکیبی‌اش به همراه المیدا و میرلس گل دوم بازی را بر ثمر رساند و جرعه آتش سوزان پرتغالی‌ها را زد. هنوز کرای‌ها از شوک این گل بیرون نیامده بودند

و میرلس (دقیقه ۵۶) گل سوم را وارد دروازه حریف کرد تا دوگله شود؛ اما این پایان کار نبود؛ پنج دقیقه بعد کریستیانو رونالدو بالاخره موثر ظاهر شد و با دادن پاس گل به تیاگو موخبات گل چهارم را رقم زد. کرای‌ها چنان درماده شده بودند که حتی نمی‌توانستند از

تیم ملی فوتبال بانوان باید به بازی‌های آسیایی گوانگجو اعزام شود. این تاکید علی سعیدلو است.»
اینجا بخشی از مواضع رسمی مدیران سازمان تربیت بدنی است که تاکید خاصی بر حضور فوتبال بانوان دارند اما از سوی دیگر کمیته ملی المپیک نظر دیگری دارد: «این تیم ضعیف است و در گوانگجو کیسه بوکس سایر تیم‌ها می‌شود. به نظر می‌رسد فدراسیون هم مخالف است.»
به نظر شما حق با کیست؟
فوتبال زنان کودک نونهالی است که بیشترین ضرر را متحمل شده چراکه فدراسیون فوتبال کودک خود را به دست فراموشی سپرده و هیچ بهایی برای رشد فرزند خود نمی‌پردازد تا جایی که اخیراً معاونت بانوان سازمان تربیت بدنی با تاکید علی سعیدلو دست به کار شده تا تیم‌های فوتبال بانوان را از بند تعطیلی رها و راهی بازی‌های آسیایی گوانگجو کند. البته مرضیه اکبرآبادی اعتقاد دارد این تیم برای تثبیت شرایطش در مسابقات برون‌مرزی اعزام می‌شود و سازمان به هیچ عنوان از آنها نتیجه نمی‌خواهد. شجایی اعتقاد دارد برای آماده‌سازی تیم ملی فوتبال بانوان دیر

سال پنجم ■ شماره ۹۹۴ ■ سه‌شنبه ۱ تیر ۱۳۸۹

۱۶ گزارشی آخر → mailto:aminpoura@gmail.com ^{امیر پوریا}

گزارشی →

ناره‌ایتی مدیران از فدراسیون فوتبال

گروه ورزش: همه در جام جهانی غرق شده‌اند و کسی به فکر تیم‌های ملی نیست. اوضاع در فدراسیون فوتبال گویا چندان خوب نیست، پس از اختلاف علنی‌شده علی کفاشیان و مهدی تاج، اختلاف کفاشیان و قاضی شریفی، حکومت خودمختار ورزش‌محمدی و علیپور، اختلاف تریانان و شمس و البته اصطکاک‌های غلامحسین پیروانی و فدراسیون، موضوع فوتبال بانوان هم یکی دیگر از مشکلات جدید فدراسیون فوتبال است. انگار همه چیز از دست رئیس فدراسیون خارج شده است.

تیم‌های ملی

از روزی که مسعود معینی به عنوان رئیس کمیته تیم‌های ملی انتخاب شده، نظم رایج از فدراسیون فوتبال خارج شده است. وضعیت تیم ملی امید نامشخص است و گویا شлагلام از این وضعیت راضی نیست، عملکرد تیم ملی بانوا هم زیر سوال است و همانند گوشت قربانی میان فدراسیون فوتبال، سازمان تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک حلاوحلوا می‌شود و البته تیم ملی یزرگسالان هم هنوز به ثبات نرسیده است. چرا همه ناراضی هستند؟

◄ نجد فیروزی

وضعیت بحرانی تیم ملی فرانسه بر کسی پوشیده نیست. فحاشی، درگیری، بی‌احترامی، خوسری و… همه و همه دست به دست هم داده تا نایب قهرمان جام جهانی ۲۰۰۶ اصلاً حال و روز خوشی نداشته باشد. احتمال وجود «جاسوس و خائن» در تیم (کادر فنی) و درگیری‌های پراکنده بین اعضای تیم و کادر فنی حسابی حال و روز «آبی‌ها» را تیره و تار کرده است. بازیکنان این تیم روز یکشنبه در حرکتی عجیب در حمایت از نیکلا آنلکا دست به اعصاب زده و تمرین‌نکرده به هتل رفتند. درگیری پاتریک اورا کاپیتان تیم با روبر دوورن مربی بدنساز تیم ملی فرانسه موجی از شایعات مبنی بر اینکه دوورن جاسوس تیم است را بر سر زبان‌ها انداخت. بازیکنان فرانسه تمرین را تعطیل کردند تا این تیم در کانن توجه همه رسانه‌های دنیا قرار بگیرد. کار تا جایی پیش رفت که همه سران رده‌بالای کشور فرانسه از سارکوزی و فرانسوا فیون گرفته تا وزیر اقتصاد، وزیر ورزش، نماینده جبهه ملی، وزیر کار و… به اظهارنظر در این مورد پرداخته و همگی به نوعی از آبروی رفته فرانسه در عرصه بین‌المللی گلایه داشته باشند. موضوع به حدی جدی شد که نیکلا سارکوزی دستور داد سریعاً جلسه بحران تشکیل و مسائل به نحو احسن حل شود.

» خواسته بازیکنان

علت تحریم تمرین را بازیکنان فرانسه حمایت از آنلکا دانسته‌اند اما ناراضیانی از کادر فنی این تیم بیش از هر مساله دیگری به چشم می‌آمد. البته بازیکنان این تیم با هدایت ژان پیر اسکالت (رئیس فدراسیون فوتبال فرانسه) به خارج از اتوبوس حامل تیم، به خوبی اعتراض‌شان به این موضوع را هم نشان دادند اما بی‌بانه‌ای که خواسته بازیکنان فرانسه را تا حدودی پوشش می‌داد نکته عجیبی را دربر داشت؛ آنهاست و غیر از دومنک نیکلا هستند با هیچ مربی دیگری اعم از بدنساز و آنالیزور و… کار کنند.

» پایان سیر ک فرانسوی

دیروز صبح (دوشنبه) بالاخره کودکان تیم ملی تصمیم گرفتند دست از کارهای یچگانه‌شان بردارند و دوباره بر سر تمرین حاضر شوند. آبی‌ها بعد از شکست برابر مکزیک، تمرین به صورت جدی نداشتند و این تمرین جزئی، تنها تمرین جدی آنها به حساب می‌آمد که اتفاقات جالبی هم در آن رخ داد.

دیروز صبح (دوشنبه) بالاخره کودکان تیم ملی تصمیم گرفتند دست از کارهای یچگانه‌شان بردارند و دوباره بر سر تمرین حاضر شوند. آبی‌ها بعد از شکست برابر مکزیک، تمرین به صورت جدی نداشتند و این تمرین جزئی، تنها تمرین جدی آنها به حساب می‌آمد که اتفاقات جالبی هم در آن رخ داد.

دیروز صبح (دوشنبه) بالاخره کودکان تیم ملی تصمیم گرفتند دست از کارهای یچگانه‌شان بردارند و دوباره بر سر تمرین حاضر شوند. آبی‌ها بعد از شکست برابر مکزیک، تمرین به صورت جدی نداشتند و این تمرین جزئی، تنها تمرین جدی آنها به حساب می‌آمد که اتفاقات جالبی هم در آن رخ داد.

تیم‌های ملی

از روزی که مسعود معینی به عنوان رئیس کمیته تیم‌های ملی انتخاب شده، نظم رایج از فدراسیون فوتبال خارج شده است. وضعیت تیم ملی امید نامشخص است و گویا شлагلام از این وضعیت راضی نیست، عملکرد تیم ملی بانوا هم زیر سوال است و همانند گوشت قربانی میان فدراسیون فوتبال، سازمان تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک حلاوحلوا می‌شود و البته تیم ملی یزرگسالان هم هنوز به ثبات نرسیده است. چرا همه ناراضی هستند؟

تیم‌های ملی

از روزی که مسعود معینی به عنوان رئیس کمیته تیم‌های ملی انتخاب شده، نظم رایج از فدراسیون فوتبال خارج شده است. وضعیت تیم ملی امید نامشخص است و گویا شлагلام از این وضعیت راضی نیست، عملکرد تیم ملی بانوا هم زیر سوال است و همانند گوشت قربانی میان فدراسیون فوتبال، سازمان تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک حلاوحلوا می‌شود و البته تیم ملی یزرگسالان هم هنوز به ثبات نرسیده است. چرا همه ناراضی هستند؟

از روزی که مسعود معینی به عنوان رئیس کمیته تیم‌های ملی انتخاب شده، نظم رایج از فدراسیون فوتبال خارج شده است. وضعیت تیم ملی امید نامشخص است و گویا شлагلام از این وضعیت راضی نیست، عملکرد تیم ملی بانوا هم زیر سوال است و همانند گوشت قربانی میان فدراسیون فوتبال، سازمان تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک حلاوحلوا می‌شود و البته تیم ملی یزرگسالان هم هنوز به ثبات نرسیده است. چرا همه ناراضی هستند؟

از روزی که مسعود معینی به عنوان رئیس کمیته تیم‌های ملی انتخاب شده، نظم رایج از فدراسیون فوتبال خارج شده است. وضعیت تیم ملی امید نامشخص است و گویا شлагلام از این وضعیت راضی نیست، عملکرد تیم ملی بانوا هم زیر سوال است و همانند گوشت قربانی میان فدراسیون فوتبال، سازمان تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک حلاوحلوا می‌شود و البته تیم ملی یزرگسالان هم هنوز به ثبات نرسیده است. چرا همه ناراضی هستند؟

از روزی که مسعود معینی به عنوان رئیس کمیته تیم‌های ملی انتخاب شده، نظم رایج از فدراسیون فوتبال خارج شده است. وضعیت تیم ملی امید نامشخص است و گویا شлагلام از این وضعیت راضی نیست، عملکرد تیم ملی بانوا هم زیر سوال است و همانند گوشت قربانی میان فدراسیون فوتبال، سازمان تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک حلاوحلوا می‌شود و البته تیم ملی یزرگسالان هم هنوز به ثبات نرسیده است. چرا همه ناراضی هستند؟

از روزی که مسعود معینی به عنوان رئیس کمیته تیم‌های ملی انتخاب شده، نظم رایج از فدراسیون فوتبال خارج شده است. وضعیت تیم ملی امید نامشخص است و گویا شлагلام از این وضعیت راضی نیست، عملکرد تیم ملی بانوا هم زیر سوال است و همانند گوشت قربانی میان فدراسیون فوتبال، سازمان تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک حلاوحلوا می‌شود و البته تیم ملی یزرگسالان هم هنوز به ثبات نرسیده است. چرا همه ناراضی هستند؟

از روزی که مسعود معینی به عنوان رئیس کمیته تیم‌های ملی انتخاب شده، نظم رایج از فدراسیون فوتبال خارج شده است. وضعیت تیم ملی امید نامشخص است و گویا شлагلام از این وضعیت راضی نیست، عملکرد تیم ملی بانوا هم زیر سوال است و همانند گوشت قربانی میان فدراسیون فوتبال، سازمان تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک حلاوحلوا می‌شود و البته تیم ملی یزرگسالان هم هنوز به ثبات نرسیده است. چرا همه ناراضی هستند؟

از روزی که مسعود معینی به عنوان رئیس کمیته تیم‌های ملی انتخاب شده، نظم رایج از فدراسیون فوتبال خارج شده است. وضعیت تیم ملی امید نامشخص است و گویا شлагلام از این وضعیت راضی نیست، عملکرد تیم ملی بانوا هم زیر سوال است و همانند گوشت قربانی میان فدراسیون فوتبال، سازمان تربیت بدنی و کمیته ملی المپیک حلاوحلوا می‌شود و البته تیم ملی یزرگسالان هم هنوز به ثبات نرسیده است. چرا همه ناراضی هستند؟